

سنت استحکام و بهره‌وری: قاعده اخلاقی در اسلام

حسین عزیزی*

چکیده

مسئله این مقاله، سنت استحکام همچون اصلی اخلاقی در اسلام است. این مفهوم چه رابطه‌ای با مفهوم نوپدید بهره‌وری دارد و ملزومات آن چیست؟ منابع حدیثی و تاریخی کهن و معتبر شیعه و سنی موافق‌اند که سنت اتقان و استحکام، ریشه در تعالیم پیامبر ﷺ و خاندانش دارد. این تعالیم در روایات اسلامی با عنوان‌های «اتقان، احکام، اثبات و احسان‌العمل»، بارها گوشزد شده است. تحلیل این مفاهیم نشان می‌دهد که به واژه «بهره‌وری»، نزدیکی معنایی بسیاری دارند؛ زیرا یکی از تعریف‌های بهره‌وری، برآیند دو عنصر «کارایی و اثربخشی» است. اثربخشی به مفهوم انجام دادن کار نیک است و کارایی، کار نیک را نیک انجام دادن است. این عناصر را کاملاً در معنای عناوین بالا می‌توان درک کرد؛ افزون‌بر آن‌دو، مفهوم پایداری و دوام عمل نیز عنصر سوم در تعریف بهره‌وری است که باز در مدلول‌عناوین چهارگانه بالا وجود دارد؛ عنصری که در جای خود، سنتی از سنت‌های انسان‌ساز پیامبر خدا ص است. در این روایات، روایات کسب‌وکار و تجربه‌های سودمند بشری، موضوعاتی به چشم می‌خورند که از آن‌ها می‌توان به زمینه‌ها و عناصر مکمل بهره‌وری و محکم‌کاری یاد کرد. این عناصر عبارت‌اند از: احیا و نهادینه کردن سنت بهره‌وری؛ تغییر نگرش به جایگاه قدسی کار و درآمد در اسلام؛ دوران‌دیشی در معیشت و کار؛ بهره‌مندی از تجربه خود و دیگران؛ مشورت، کاردانی، تخصص و دانشوری. نتیجه مهم بحث درباره استحکام و رابطه آن با بهره‌وری، آن است که استحکام و اتقان عمل، یکی از آموزه‌های مهم اخلاق کاربردی در اسلام است و به دلالت روایات اسلامی باید آن را همچون فرهنگ و سنت فراگیر پذیرفت و مطالعه کرد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، بهره‌وری، محکم‌کاری، سنت، اصل اخلاقی.

* استادیار دانشگاه اصفهان. (hosn.azizi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۱.

مقدمه

در قرآن کریم کلماتی چون حاکم، حکیم، حکمت، اُحکمت و ... فراوان به کار رفته است. در همه این مشتقات، مفهوم سنجیدگی و استواری به خوبی مشهود است. این مفاهیم را هم در ساحت آفرینش کتاب تکوین و تشریح می توان یافت و هم در قلمرو فرمانروایی و داوری؛ یعنی حاکمیت و حکمیت. این گونه مشتقات در ابواب فقه سیاسی، فقه مدنی و قضاوت نیز فراوان دیده می شود؛ اما ساختارهایی چون «احکام، اتقان، استحکام و احسان العمل» را کمتر می توان یافت و اگر بیابیم، جزئی و محدود؛ برای مثال، برخی فقها با استناد به حدیث نبوی، که در آن به اتقان و احکام عمل هنگام چیدن خشت لحد (گور، خشت)^۱ در قبر فرزند خود و سعدبن معاذ گفته اند که شایسته است لحد با اتقان و استحکام چیده شود یا آنجا که درباره خواندن نماز و برخی فروع جزئی فتوا داده اند، بر اتقان و استحکام عمل تأکید کرده اند (شاهروردی ۱۴۲۳: ۱۹۱/۳-۱۹۳؛ شربینی، مغنی المحتاج، ۱/ ۳۶۴) قاضی نعمان نیز به طالبان علم گوشزد می کند که از هر گونه شتابزدگی و تنبلی بپرهیزند و هر کتاب و علم و بابی را با اتقان و استواری تمام کنند و پس از آن، گام در یادگیری باب، کتاب و دانش بعدی بگذارند (قاضی نعمان ۱۹۹۶: ۳۱۳). شهید ثانی ذیل آداب و ترتیب دانش آموزی، بارها از اتقان و استحکام تحصیل دانش و خواندن باب ها و کتاب ها یاد کرده است (شهید ثانی، ۱۳۶۸: ۳۸۴، ۲۶۳).

این چند نمونه نشان می دهد که انبوه احادیث دال بر لزوم و شایستگی اتقان و استحکام عمل، هرگز در میراث علمی مسلمانان مقبولیت عام نیافته، از گودال قبر و دیگر موضوعات جزئی فراتر نرفته و به قاعده فقهی و اخلاقی تبدیل نشده است. در آثاری همچون تهذیب الاخلاق مسکویه، کیمیای سعادت و احیاء العلوم ابو حامد غزالی، ادب الدین والدنیا ماوردی، اخلاق ناصری خواجه نصیر، جامع السعادات نراقی و ... هیچ اثری از این روایات و

۱. لحد به فتح لام و سکون حا: شکاف قبر (فراهیدی، «لحد»)

این اصل محبوب الهی و مطلوب انسانی نمی‌بینیم. آنان هیچ‌گاه مستقل این موضوع را بررسی نکرده و هیچ اصلی را دربارهٔ اتقان و احکام عمل تأسیس نکرده‌اند. هاشمی شاهرودی پس از بحث لغت‌شناختی تصریح می‌کند که فقها هیچ باب و اصطلاح خاصی را برای این مبحث باز نکرده و پراکنده در برخی موارد به اتقان عمل اشاره کرده‌اند (شاهرودی، ۱۴۲۳: ۱۹۱/۳).

شهید مطهری از نخستین محققانی است که در گزارش تفصیلی خود از سیرهٔ پیامبر ﷺ، به سنت اتقان و استحکام عمل در زندگی آن حضرت اشاره می‌کند؛ اما سخنی از قاعدهٔ اخلاقی نمی‌گوید (مطهری، ۱۳۸۳: ۲/۲۶۱). ری شهری زیر عنوان اتقان و احکام، شماری از روایات شیعه و سنی را آورده است (ری شهری، ۱۴۱۶: ۳/۲۱۳۱-۲۱۳۲). نویسندگان کتاب *الحیاه* به این اصل توجه کرده و ذیل کار و گارگری و نیز اخلاق کارگر و کارمند، فقط به دو حدیث کوتاه بسنده کرده‌اند. سنت محکم کاری برای اولین بار در این کتاب همچون اخلاق کار و کارگری مطرح شده است (همان: ۵/۴۳۷؛ ۱۲/۴۱). پیش‌تر علامه طباطبایی ذیل فصل اخلاق در کتاب *تعالیم اسلام* بحث به نسبت گسترده‌ای دربارهٔ ارزش کار و کشاورزی و نکوهش بیکاری آورده است، هر چند او نیز به سنت استحکام عمل اشاره نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۵۰). در کتاب *مفاتیح‌الحیاه* آیت‌الله جوادی آملی در مباحث مربوط به کار، کارگر و اقتصاد نیز هیچ عنوانی دربارهٔ اتقان عمل نمی‌بینیم؛ بنابراین، تنها مقاله دربارهٔ اتقان و استحکام عمل، «محکم کاری در اسلام» از محمد مهدی قجری (قجری، ۱۳۸۸: ۸۰-۹۳) است. این مقاله عمومی و ترویجی است و در تتبع، تحلیل، استیفای موضوع و طرح مسئله همچون اصل اخلاقی و پیوند آن با بهره‌وری، قوت لازم را ندارد. اثری نیز با عنوان «بهره‌وری در پرتو اسلام» دربارهٔ بهره‌وری است؛ اما آنجا نیز هیچ اشاره‌ای به روایات استحکام نشده است.

اما آنچه مایه خرسندی است، وجود کتاب خدا و میراث مکتوب از سنت پیامبر و عترت اوست و نیز فتح باب پژوهش. پیامبر خدا ﷺ نیز در سخنرانی معروفش در موسم حج تأکید کرد که راه فقاهت همواره گشوده است؛ نه هر محدثی، فقیه است و نه هر فقیه محدثی، برترین فقیه (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۰۳). آیت‌الله خامنه‌ای نخستین فقیهی است که باب چنین فقاهتی را برای اولین بار گشوده است. وی در سخنرانی سالیانهٔ خود در مشهد الرضا علیه السلام در ۱/۱/۱۳۹۳،

سنت استحکام را به مفهوم بهره‌وری پیوند زدند و گفتند:

«بهره‌وری یعنی از امکاناتی که وجود دارد، استفاده بهینه شود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد. این معنای بهره‌وری است. از پیغمبر خدا ص نقل شده است رحمت خدا بر کسی که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام دهد، متقن انجام دهد.»

مسئله این تحقیق این است که (۱) استحکام چه جایگاهی در تعالیم اسلام دارد؟ (۲) معنی و مفهوم آن و مترادفات آن در لغت و روایات چیست؟ (۳) ارتباط مفهومی استحکام با بهره‌وری چیست؟ (۴) زمینه‌های مکمل اخلاق استحکام و بهره‌وری کدام است؟ از روایات شروع می‌کنیم.

سنت استحکام و بهره‌وری در روایات اسلامی

سنت معانی لغوی گوناگونی دارد. یکی از معانی مشهور، راه، روش و سیره جاری و پایدار است (جوهری، «سن»؛ فیومی، «سن»). این سنت ممکن است سنت و روش تکوینی باشد که در هستی جاری است؛ چنان‌که برخی آیات قرآن به آن اشاره کرده‌اند (غافر / ۸۵). ممکن است روش تشریحی و اعتباری باشد که برخی آیات قرآن^۱ و روایات به آن اشاره کرده‌اند که در ادامه می‌آوریم (راغب، «سن»؛ زبیدی، «سن»). سنت تشریحی گاهی به معنی همه‌اوامر و نواهی پیامبر به کار می‌رود که در قرآن کریم نیامده است؛ از این رو به حدیث نبوی، که تعالیم او را بازگو می‌کند، سنت می‌گویند (ابن منظور، «سن»). سنت‌ها و روایت‌هایی که در ادامه می‌آیند، به روشنی دلالت می‌کنند که استحکام و اتقان، رویه مشروع و مطلوب اسلامی و سیره محبوب خدا و پیامبر ﷺ است:

۱. عایشه از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «همانا خداوند دوست دارد هرگاه یکی از شما کاری را برعهده گرفت، آن را متقن و استوار کند» (ابویعلی، ۱۹۸۸: ۳۴/۷)؛

۱. آیات دیگر نیز از دو رفتار خوب و بد مردمان پیشین یاد کرده‌اند؛ برای مثال، «و یهدیکم سُنَنَ الذِّینِ مِنْ قَبْلِكُمْ» (نساء / ۲۶) سنن جمع سنت به مفهوم رویه‌های نیکوست؛ اما سنت در «لَا یؤمنون به و قد خلت سنة الاولین» (حجر / ۱۳) به معنای روش کافر ماجرای اقوام پیشین است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۴۲/۳).

۲. عاصم پسر کلبی روایت می‌کند درحالی‌که نوجوانی چیز فهمی بودم، با پدرم برای تشییع جنازه‌ای حاضر شدیم که پیامبر ﷺ نیز در آن حاضر بود. پیامبر ﷺ فرمود: «و خداوند دوست دارد کارگر را؛ اینکه کارش را متقن و استوار انجام دهد» (الهیثمی، ۱۴۰۸: ۹۸/۴)؛

۳. پیامبر ﷺ پس از دفن فرزندش ابراهیم و چیده شدن لحد در قبر، سوراخی را در لابه‌لای خشت‌ها دید. فرمود: «آن را مسدود کنید که این کار دلنشین‌تر است و خداوند دوست دارد هرگاه بنده کاری را انجام داد، آن را استوار و متقن کند.» در روایت دیگر آمده است که پیامبر ﷺ مستی گل گرفت، به دست مردی داد و فرمود: «شکاف را پر کن.» سپس فرمود: «چنین کاری نه زیان می‌رساند و نه سود؛ اما چشم‌روشنی زندگان و بستگان است و خداوند دوست دارد هرگاه بنده کاری را انجام داد، آن را متقن کند» (ابن‌شبهه، ۱۴۱۰: ۹۸/۱). و ابن‌سعد، بی تا: ۱۴۳/۱)؛

۴. ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا ص فرمود: «ایمان به خودنمایی و آرزو کردن نیست؛ اما آن چیزی است که در دل استوار و با اعمال تصدیق شود. سوگند به آن که جانم در دست اوست، بنده‌ای به بهشت درنیاید؛ مگر به عمل متقن. گفتند یا رسول‌الله، عمل متقن چیست؟ فرمود عمل محکم» (ابن‌عدی، ۱۹۸۸: ۲۸۸/۶)؛

۵. در روایت دیگر آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «خدای بلندمرتبه دوست دارد کارگر را هرگاه کاری کرد، نیکو کند.» (سیوطی، ۱۹۸۱: ۲۸۴/۱) ابن‌عبدالبرّ قرطبی در روایت دیگر از امام‌علی علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «در بهای کفن مردگان زیاده‌روی نکنید که به زودی خواهد پوسید.» آن‌گاه قرطبی توضیح می‌دهد که این سخن هیچ‌گاه در تضاد با سخن دیگر آن حضرت نیست که فرمود: «هرگاه یکی از شما برادرش را کفن کرد، کارش را نیکو کند؛ زیرا این سخن پیامبر ناظر بر هیئت و فعل تکفین است، نه جنس کفن؛ چون پیامبر فرموده است: «خدای عزیز و با جلال از بنده‌اش دوست دارد کاری را که انجام می‌دهد آن را متقن و نیکو کند.» (ابن‌عبدالبرّ، ۲۰۰۰: ۱۸/۳-۱۹) از امام‌صادق علیه‌السلام نیز نقل کرده‌اند که مؤمن هرگاه کارش را به‌نیکی و درستی انجام دهد، خداوند برای هر کار نیک، هفت صد نیک بیفزاید. پرسیدند کار را به‌نیکی انجام دادن به چیست؟ فرمود: «اگر نماز

کردی، رکوع و سجودش را به نیکی بگزار و هرگاه روزه بودی، خود را از هر چه روزهات را تباہ می‌کند، نگه‌دار و هرگاه حج گزاردی، خود را از آنچه در حج و عمره نارواست، حفظ کن.» (البرقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۵۵)

پس می‌توان گفت احسان در آیات و روایات، به هر دو معنی نیکی کردن یا کار نیک کردن است؛ به بیان دیگر، طرف کار نیک گاهی انسان‌ها هستند و گاهی حیوانات و نباتات و گاهی حتی خود رفتار و اعمال ما. مفهوم نیکی به دیگران روشن است؛ اما نیکی به اعمال چیزی جز آن نیست که عمل نیک به درستی و استواری انجام شود؛ بنابراین اتقان و استحکام عمل نیز از مصادیق عام احسان‌العمل است؛ یعنی اعمال ما نیز مانند دیگر موجودات، بر گردن ما حق احسان دارند و حق احسان به عمل آن است که به درستی و کمال انجام شود؛ از این رو ﴿وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (قصص / ۷۷) به همه مصادیق احسان، از جمله احسان و استحکام عمل دعوت می‌کند. پیام آیه این است که خداوند هر احسانی را دوست دارد؛ پس خدا دوست دارد کار نیک به نیکی انجام شود؛

۶. شیخ صدوق و شیخ طوسی از محدثان و فقیهان بزرگ شیعه، با سند خود از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده‌اند: «به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند که سعد بن معاذ در گذشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همراه اصحاب برخاست و در حالی که خود در آستانه در ایستاده بود، دستور داد بدن سعد را غسل دادند. بدن سعد را پس از حنوط و کفن، روی تخته نهادند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون کفش و ردا، جنازه را همراهی کرد تا به قبر رسید. جنازه را در قبر نهادند. پیامبر برای چیدن خشت لحن پایین رفت و فرمود: "به من سنگ و گل بدهید تا میانه خشت‌ها را بپوشانم." وقتی کارش تمام شد و خاک روی قبر ریختند و هموار کردند، فرمود: "من می‌دانم او به زودی خواهد پوسید؛ اما خداوند دوست دارد بنده را که هرگاه کاری انجام داد، محکم و استوار کند" (الصدوق، ۱۳۷۶: ۴۶۹).

۷. در روایت دیگری از عایشه نقل شده است: «این چنین بود پیامبر؛ هرگاه کاری انجام می‌داد پایدار و استوار می‌ساخت.» (النسائی، ۱۹۹۱: ۱/۲۷۴) در روایتی از سعید مقبری، این نیز به سخن قبل افزوده شده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این چنین نبود که کاری را یک بار انجام دهد و

بار دیگر آن را رها کند.» (ابن سعد، بی تا: ۲۸۶/۱)

عبدالرؤف مُناوی در کتاب *فیض التقدیر ذیل یکی از احادیث یادشده*، کلمه «أثبتته» را برابر با «أحکمه» می‌گیرد و توضیح می‌دهد که رسول خدا هر کاری را به گونه‌ای انجام می‌داد که نتیجه‌اش دوام می‌آورد، به گونه‌ای که انتظار می‌رفت؛ چون خداوند چنین کاری را دوست داشت: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ.» (المناوی، ۱۹۹۴: ۵/۱۹۰) در این تفسیر، واژه‌های «أثبتته، احکمه و اتقنه» مترادف‌اند و مفهومشان ناظر به دوام نتیجه عمل است. مهم‌ترین نکته در این تفسیر آن است که اصل ثابت در سیره قولی و عملی پیامبر ﷺ، تدوام سیره بود؛ پس آن حضرت اصل اتقان و استحکام را پیوسته در همه کارهایش رعایت می‌کرد؛ حتی در نازل‌ترین کار، یعنی در کفن و دفن و چیدن خشت لحد.

از اینجا می‌توان فهمید که روایات ماجرای دفن و کفن فقط به نازل‌ترین سطح کارهای روزمره اشاره می‌کنند که رسول خدا ﷺ حتی در آن سطح نیز به اصل اتقان عمل پایبند بود و از این اصل برین نمی‌گذشت. گواه این برداشت آن است که این روایات گزارش کرده‌اند که اصحاب با اینکه با اصول سیره پیامبر، از جمله اتقان عمل آشنا بودند، از دقت پیامبر ﷺ در کفن و دفن مردگان تعجب کردند و پیامبر ﷺ آنجا نیز گوشزد کرد که خداوند چنین اخلاقی را حتی در گور مردگان دوست دارد؛ افزون‌بر آن، کار نیک و محکم، مایه خرسندی و چشم‌روشنی بازماندگان، زندگان و مردم است.

آنچه مهم به نظر می‌رسد و نقش اساسی در تغییر نگرش انسان به حیات و معاش دارد، جایگاه و نقش معرفت و محبت خدا و خلق خداست. از نظر اسلام، خرمی جهان و انسان از خداست و عشق و علاقه به خرمی جهان، ریشه در عشق به مبدأ خرمی‌ها دارد. مهم‌ترین عنصر این روایات، آن است که خداوند خرمی، سرزندگی، نشاط، استواری و پایداری را در معاش و حیات دوست دارد. چشم و دل بندگان خدا نیز با چنین رویه‌ای شاد و روشن می‌شود؛ از این رو، می‌گویند برای مثال، وظیفه هر صنعتگر، که خداوند دانش استفاده از ابزار، عدد و اشکال را به او داده، آن است که به اقتضای دانش عمل کند. او این رویه را فقط باید برای سپاس از نعمت خدا و سود رساندن به بندگان، که به او کار داهاند و آن گونه انجام دهد که هر صنعتی

اقتضا می‌کند. نیت او هیچ‌گاه نباید این باشد که کار را فقط به اندازه مزدش انجام دهد (مناوی، ۱۹۹۴: ۲/۳۶۳).

معناشناسی

چهار واژه در متن روایات، مکرر و با پیام مشترک به کار رفته بودند: اثبات، اتقان، احسان و احکام عمل. هرچند مفهوم این واژگان را از سیاق روایات می‌توان فهمید، شناخت دقیق آن‌ها در زبان عربی نیازمند توضیح بیشتر است.

اثبات: چنانکه در روایات گذشت، در مفهوم ثبت، دوام و پایداری نیز خوابیده است. این مفهوم را در معانی لغوی و اصطلاحی ثبت می‌توان فهمید. در باره ساختارهای فعلی ثابته و اثبته این تعاریف به چشم می‌خورد: ثابته و اثبته؛ یعنی آن را چنان شناخت که سزاوارش بود. ثبات، مترادف با شیمام، به معنی دو رشته ریسمان رویند زنان نیز آمده که به مفهوم مهار کردن است. کلمه لَيْثِيَتُوكَ در آیه ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيَثْبُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ﴾ (انفال/ ۳۰) به معنای زخم مهلک یا حبس کردن است. در دانش رجال نیز به محدثان موثق و منضبط اثبات می‌گویند؛ چنان‌که به سواره شجاع، ثبیت و به مرد عاقل خویشتن‌دار کم‌خطا، ثبّت و ثبیت می‌گویند (فیروزآبادی، «ثبت»؛ الزبیدی، «ثبت»).

اتقان: تقن به معنی سرشت و طبیعت است. ساختار فعلی «أتقن» را نیز مترادف با احکم گرفته‌اند. به مرد حاذق و تیرانداز ماهر، تقن می‌گویند (فیروزآبادی، «تقن»). زبیدی می‌افزاید: «تقن هر چیزی است که اساس معیشت انسان‌ها بر آن نهاده شده است؛ مانند آهن و دیگر معادن. به مایه ساخت و صلاح هر چیز تقن می‌گویند. اتقان نیز به اصطلاح شناخت دقیق دلایل و ضبط قواعد کلی با همه جزئیات است.» (الزبیدی، «تقن»)

احسان: معنی حُسن و احسان (نیکی و نیکوکاری) برای همگان روشن است. در احادیث نیز کلماتی چون احسان، أَحْسَنَهُ و يُحْسِنُهُ به معنی معرفت داشتن و کار را به درستی انجام دادن آمده است که با مفهوم نیکی و نیکوکاری بی‌ارتباط نیست؛ چنان‌که به مفهوم اتقان و استحکام نیز نزدیک است. گفتیم برخی فقیهان احسان را برابر احکام می‌گیرند (ابن عبدالبر، ۲۰۰۰: ۱۹/۳). گویا فقها اصطلاح خاصی جز معنی لغوی در معنی احسان ندارند؛ پس گاهی از احسان، انجام دادن نیکی‌ها

و انواع طاعات را اراده می‌کنند و گاهی دانش، معرفت و اتقان در کارها؛ بر همین اساس، کلمه احسن را در ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾ (سجده ۷) مترادف اتقان و احکام می‌دانند (شاهرودی، ۱۴۲۳: ۹/۷-۱۰). شیخ طوسی نیز حُسن خلقت را به معنی سنجیدگی و آفرینش به مقتضای حکمت می‌داند (طوسی، بی تا: ۲۹۶/۸).

احکام: فیروزآبادی احکام را مترادف اتقان و استحکام می‌داند. کار را محکم کرد؛ یعنی به گونه‌ای انجام داد که فساد و تباهی نمی‌پذیرد (الفیروزآبادی، «حکم»). اصمعی حکومت را برابر داوری می‌داند: «معنای اصلی حکومت، جلوگیری از ستم ستمگر است. از این رو لجام را حَکَمَه می‌نامند؛ زیرا حیوان را از رویه‌های نادرست بازمی‌دارد. مرد حکیم را نیز از آن رو حکیم می‌نامند که تجارب روزگار او را محکم و خلل‌ناپذیر کرده است.» (الزبیدی، «حکم»)

از تحلیل و جمع‌بندی تعاریف یادشده و باتوجه به سیاق روایات گذشته می‌توان به این تعریف جامع رسید که منظور از اتقان، احکام، اثبات و احسان عمل این است: «اصول طبیعی و معقول هر کاری را به‌دقت رعایت کردن، از آفت‌ها و آسیب‌ها پرهیز کردن و همه اجزای کار را هماهنگ و سازگار با هدف کار، با شناخت و دوراندیشی، اطمینان‌بخش و پیوسته انجام دادن.»

استحکام یا بهره‌وری

نویسنده معتقد است مفهوم و ماهیت مفردات یادشده در روایات، در دنیای جدید کاملاً شناخته شده و صاحب‌نظران به آن توجه کرده‌اند. واژه بهره‌وری^۱ یکی از این اصطلاحات نوپدید در دانش مدیریت، مهندسی و اقتصاد است. بهره‌وری، در یکی از تعریف‌ها، نسبت مقدار کالا و خدمات (برون‌داد) و میزان منابع را برای تولید (درون‌داد) بررسی می‌کند. در این تعریف، منابع شامل همه منابع در دسترس مدیران است؛ به بیان دیگر، بهره‌وری حاصل جمع یا ضرب دو مؤلفه کارایی^۲ و اثربخشی^۳ است. اثربخشی، تحقق اهداف مشروع و منطقی

1. Productivity
2. Efficiency
3. Effectiveness

سازمان و کارایی، استفاده درست از منابع است؛ پس می توان بهره‌وری را درست انجام دادن کار درست تعریف کرد (مبینی، ۱۳۸۷: ۷؛ جاسبی و همکاران، ۱۳۷۴: ۶۴). این تعریف در تارنمای رسمی سازمان ملی بهره‌وری ایران نیز آمده است (سازمان ملی بهره‌وری ایران، ۲۰ خرداد ۱۳۹۷). بند ب از ماده ۲ برنامه جامع بهره‌وری کشور مصوب ۹۴/۶/۱۱ هیئت وزیران دولت جمهوری اسلامی ایران نیز بهره‌وری را حاصل ترکیب کارایی و اثربخشی می‌داند؛ از سوی دیگر، کارایی، درست انجام دادن کار و اثربخشی، انجام دادن کار درست تعریف شده است (جاسبی و همکاران: ص ۶۷-۶۸؛ ایران‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۸-۶۰).

اکنون اگر بهره‌وری را دیدگاه فکری و فرهنگی بدانیم که همواره می‌کوشد چیزی را بهبود بخشد که اکنون موجود است و معتقد است انسان می‌تواند کارها و وظایفش را بهتر از روز قبل انجام دهد (بافکار، ۱۳۸۴: ۹)، می‌توانیم از فرهنگ بهره‌وری در اسلام سخن بگوییم و باتوجه به تاریخچه بهره‌وری در جهان شاید بتوانیم تعالیم پیامبر اسلام را نخستین سرچشمه‌های فرهنگ و اخلاق بهره‌وری بدانیم. این ادعا هر چند نیازمند مطالعه بیشتر است، دور از انتظار نیست.^۱

با وجود این، نباید فراموش کرد که آن حضرت مربی الهی و مصلح بزرگ اجتماعی است و وظیفه ذاتی اش هدایتگری است، نه تعلیم اقتصاد و مهندسی مدیریت. او هیچ‌گاه در صدد طراحی نظام مهندسی‌سنجش کم و کیف رفتارهای اقتصادی و مدیریتی، از جمله تعیین شاخص‌های فرابخشی و درون‌بخشی بهره‌وری نبوده است؛^۲ اما در تعالیمش عناصر ارزشمندی از زمینه‌های اخلاقی اتقان عمل را می‌توان یافت که بستر معنوی بهره‌وری را

۱. دیگران در برخی مقوله‌ها و موضوعات اجتماعی به چنین نتایجی رسیده‌اند. پندیکت کوهلر، نویسنده و اقتصاد دان معاصر، پیامبر اسلام ص را نخستین بنیان‌گذار اقتصاد بازار در جهان می‌داند. پندیکت کوهلر، دانش‌آموخته دانشگاه‌های ییل و توبینگن و مشاور اقتصادی دولت انگلستان، در کتاب *صدر اسلام و زایش سرمایه‌داری* نظریه نو و شگفت‌آوری مطرح می‌کند: سرمایه‌داری نخستین بار در شبه جزیره عربستان پدیدار شد؛ نه آن‌طور که معمولاً فرض می‌کنند در دولت‌شهرهای اواخر قرون وسطی در ایتالیا (tecim، ۱۹ خرداد ۱۳۹۵)؛ ماشین چیان، سایت بورژوا، ۱۳۹۶.

۲. هر چند امروز نیز نمی‌توان از روش مقبول و روشی درباره سنجش و مدیریت بهره‌وری سخن گفت (ایران‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۵)

تسهیل می‌کند. روایات یادشده تصویر زیبایی را از اندیشه بهره‌وری در تعالیم پیامبر ﷺ نشان دادند؛ اما چنان‌که اشاره کردیم، این اندیشه و فرهنگ نیازمند زمینه‌ها، احکام و عناصر اخلاقی دیگر است. اجرایی کردن چنین اندیشه‌ای بدون این عناصر، دشوار یا ناممکن است. شاید بتوان با کنجکاوی در متون دینی به طیف بسیاری از عناصر تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی و احیای اخلاق بهره‌وری و استحکام دست یافت؛ برای مثال، می‌توان به ارزش‌های اخلاقی همچون پرهیزگاری، خویش‌داری، پارسایی، از خودگذشتگی، اعتدال در هزینه، زیاده‌روی و ... اشاره کرد؛ اما در این مجال محدود، فقط به دو گام اساسی در فرهنگ‌سازی اخلاق بهره‌وری و چهار عنصر تأثیرگذار در تحقق بهره‌وری اشاره می‌کنیم. نهادینه کردن سنت استحکام یا احیا و عملیاتی کردن آن، نخستین گام اخلاقی در تحقق سنت استحکام و بهره‌وری است. توجه و اعتقاد به جایگاه قدسی کار و کوشش در تعالیم اسلام، دومین گام در نهادینه کردن و فرهنگ‌سازی اخلاق بهره‌وری است. تدبیر و برنامه‌ریزی از نظر قرآن و روایات، جایگاه و اهمیت تجربه خود و دیگران، کاردانی و مشورت، چهار عنصری هستند که اصلاح نظام بهره‌وری بدون آن‌ها ناممکن است.

مبانی و مقدمات بهره‌وری

۱. احیا و نهادینه کردن سنت استحکام و بهره‌وری

از پیامبر ﷺ نقل کردیم هرگاه کار و سنتی را انجام می‌داد، پایدار و استوار می‌ساخت و هیچ‌گاه آن را رها نمی‌کرد؛ یعنی پایداری عمل نیز مانند اتقان عمل، سنت نیکوی او بوده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۸/۲؛ آمدی، ۱۴۱۰: ۴۹۸)؛ اما پایداری سنت درست اجتماعی چگونه ممکن است؟ به نظر می‌رسد وقتی پایداری رفتار و سنتی ممکن است که جامعه آن را به فرهنگ عمومی تبدیل کرده باشد. نخستین اقدام‌ها و پایه‌گذاران سنت اجتماعی، جایگاه مهمی دارند. روایات از این جایگاه با عنوان اجرا، احیا و دعوت به سنت حسنه یاد کرده‌اند. از نظر روایات، پیشگامان و احیاگران، راهنمای مردم‌اند و دیگران در مسیر آنان گام می‌نهند. اینان پیشوای هدایت جوامع خویش‌اند (نووی، ۱۹۹۱: ۱۴۲)؛ از این رو آنان پاداش مضاعف می‌گیرند. به برخی روایات اشاره می‌کنیم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هرکس سنتی از سنت‌های مرا احیا کند، سپس مردم بدان عمل کنند، مانند پاداش همه آن‌ها از آن او خواهد بود، بدون آنکه چیزی از پاداش عاملان کاسته شود. و هرکس بدعتی را تأسیس و بدان عمل کند، کیفر همه عمل‌کنندگان به حسان او نوشته می‌شود، بدون آنکه از کیفر خود آنان کاسته شود.» (ابن ماجه، بی تا: ۱: ۷۴-۷۶) در روایت دیگر آمده است که گروهی نیازمند نزد پیامبر آمدند. او از دیدن نشانه تنگدستی آنان متأثر شد. رسول خدا ﷺ یاران را به دادن صدقه دعوت کرد؛ اما درنگ کردند. ناگهان یکی از آنان پیشگام شد و سرانجام دیگران نیز به پیروی از وی صدقه دادند. پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس سنت نیکی را جاری و تقویت کند و آنان که پس از وی می‌آیند، به آن عمل کنند، پاداش آن رفتار و دیگر عمل‌کنندگان را به وی می‌دهند، بدون آنکه چیزی از آن کم کنند.» (ابن حنبل، بی تا: ۴/۳۶۱؛ نووی، ۱۹۹۱: ۱۴۲-۱۴۴)

امام باقر علیه السلام فرمود:

«هرکس رویه عادلانه‌ای را پایه‌گذاری و اجرایی کند، سپس الگوی عمل دیگران قرار گیرد، از پاداشی مانند پاداش آنان بهره‌مند خواهد شد، بدون آنکه چیزی از پاداش خود آنان کاسته شود. و هرکس رویه ظالمانه‌ای را تأسیس کند و دیگران به آن عمل کنند، به کیفر و وبال آنان دچار خواهد شد، بدون آنکه از کیفر خود آنان چیزی کاسته شود.» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۱۹۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که برای خود سنت نیکو یا چیزی از خوبی‌ها را مقرر کرده باشد و حتی نتواند ادامه دهد، تا پایان جهان پاداش خواهد گرفت.» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۸)

امام صادق علیه السلام در روایت دیگر، احیا، نهادینه‌سازی و اجرای سنت‌های خوب را قسم چهارم از جهاد مقدس می‌داند:

«هرکس سنتی را برپا کند و در پایداری، نتیجه‌بخشی و احیای آن کوشش کند، برترین اعمال را انجام داده است؛ زیرا پیامبر خدا ﷺ فرمود هرکس سنت نیکویی را پایه‌گذاری و احیا کند، پاداش آن و پاداش هرکسی را که به آن عمل کند تا روز رستاخیر به حساب او می‌نویسند، بی آنکه از پاداش او کم کنند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۹/۵؛ مفید، همان)

اکنون، می‌توان از سازمان ملی بهره‌وری ایران در کنار سازمان‌های درون‌بخشی دیگر، مانند سازمان تازه تأسیس انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق سخن گفت.^۱ خود این سازمان‌ها می‌توانند نمونه‌هایی از احیای سنت اخلاقی بهره‌وری باشند؛ اما مهم‌ترین وظایف آن‌ها، احیا و ترویج فرهنگ بهره‌وری و نیز سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فرایند بهره در طیف گسترده مدیریت‌ها و سازمان‌هاست.

این اجرا و احیای دیر هنگام سنت بهره‌وری در قالب شکل‌گیری دو سازمان یادشده می‌تواند در ردیف احیای سنت‌های دیگر دینی باشد. جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، بسیج دفاع مردمی، کمیته امداد و ... نمونه‌هایی از عمل به این حدیث نورانی‌اند؛ اما وظایف ذاتی این نهادها نیز دقیقاً فلسفه وجودی آن‌هاست، یعنی احیای سنت اقتدار و جهاد علمی، عملی و دستگیری از نیازمندان و ...

۲. قداست کار و درآمد

صاحب‌نظران ژاپن و سنگاپور در آخرین مطالعاتشان بهره‌وری را نوعی نگرش فکری دانسته‌اند که سبب می‌شود تا صاحب یا صاحبان آن، برای رسیدن به بهبود تولید، تلاش کند و به آن دست یابد. همچنین، سازوکارها و مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که آن نگرش را به عمل تبدیل می‌کند (ایران‌زاده، ۱۳۸۳: ۶). هیئت ملی بهره‌وری سنگاپور در گزارش خود برای بهبود بهره‌وری، پنج پیشنهاد داد که «طرز فکر مثبت درباره کار» مهم‌ترین و نخستین پیشنهاد بود (ایران‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۰).

همه‌چیز گواهی می‌دهد که وجود نگرش درست حیاتی را نمی‌توان در تعالیم آسمانی پیامبر اسلام ﷺ نادیده گرفت. مهم آن است که کار و کوشش و طلب روزی حلال در تعالیم

۱. براساس ماده ۸ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و در راستای ارتقای بهره‌وری و استفاده هرچه بیشتر از منابع تجدیدپذیر، هیئت‌وزیران لایحه تأسیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) را به مجلس شورای اسلامی داد. این سازمان، ادغام سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا) و سازمان بهره‌وری انرژی ایران (سابا) است. این لایحه در جلسه ۱۳۹۵/۹/۲۴ در صحن علنی مجلس تصویب شد و شورای نگهبان آن را در ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ تأیید کرد (ساتبا، دسترسی ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸).

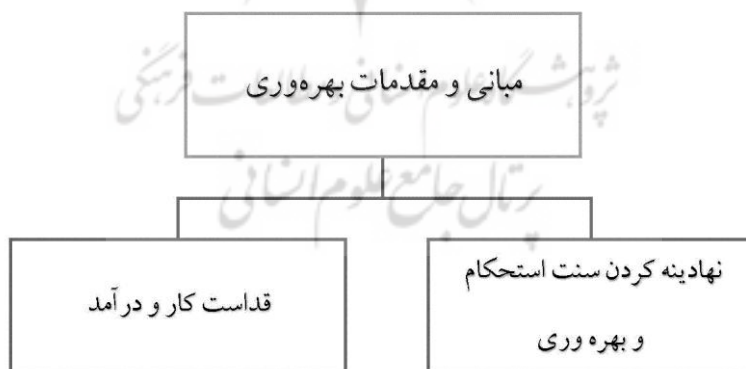
او، مهم‌ترین جزء عبادت، مصداق کامل اطاعت خدا و همچون جهاد در راه اوست. این عبادت بزرگ را خدا دوست دارد، آنگاه که به نیکوترین و محکم‌ترین شکل باشد. این آموزه‌ها نخستین سرچشمه‌های اندیشه بهره‌وری در تعالیم آسمانی پیامبرند؛ در عین حال، با قداست و حرمت الهی که به کار و محکم‌کاری می‌دهند، از مهم‌ترین عناصر و عوامل بهره‌وری نیز هستند. روایات ارزش اتقان عمل را به تفصیل آوردیم. اکنون برخی روایات ارزش و عبادت کار و درآمد را مرور می‌کنیم. باید یادآوری کنیم که روایات هر یک از امامان، روایت امام دیگر است و روایت هر امام، روایت پیامبر ﷺ است. این نکته را در برخی روایات گوشزد کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۵۳). به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

از رسول خدا ﷺ روایت است: «کوشش برای درآمد حلال، فریضه مضاعف است» (هیثمی، ۱۹۸۸: ۱۰/۲۹۱)؛

از رسول خدا و امام باقر علیهما السلام روایت است: «آن‌کس که دنیا را بجوید برای آنکه دست به‌سوی مردم دراز نکند و برای سربلندی خانواده‌اش بکوشد و دست همسایه‌اش را بگیرد، خداوند عزوجل را در روز رستاخیز زیارت می‌کند؛ در حالی که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده می‌درخشد.» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۳۲۴) در روایت پیامبر ﷺ این نیز آمده است: «و هر کس معاش حلال دنیا را برای زیاده‌طلبی و تفاخر بخواهد، خدا را در حالی دیدار می‌کند که از او خشمگین است» (صنعانی، بی تا: ۵/۲۵۸)؛

علی بن عبدالعزیز نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام از من پرسید: «عمر بن مسلم مشغول چه کاری است؟» گفتم: «فدایت شوم، به عبادت پرداخته و تجارت را رها کرده است.» فرمود: «وای بر او! آیا نمی‌داند دعای کسی که کار و درآمدش را رها کند، مستجاب نمی‌شود؟ گروهی از یاران پیامبر خدا ﷺ پس از نازل شدن آیه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيُزِدْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ درهای خانه را بستند و به عبادت پرداختند و گفتند خداوند روزی‌مان را کفایت کرده است. خبر به پیامبر ﷺ رسید و کسی را به دنبال آنان فرستاد و آمدند. حضرت پرسید: "چه چیزی شما را به این تصمیم وادار کرد؟" گفتند: "یا رسول‌الله! خداوند خودش روزی‌رسانی ما را برعهده گرفته است." فرمود: "هر کس چنین کند دعایش مستجاب نیست.

به دنبال درآمد و روزی باشید." (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۱۹/۳-۱۲۰، طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۳/۶)؛
 امام صادق علیه السلام از حال مردی پرسید. گفتند سخت نیازمند است. فرمود: «اکنون چه کار
 می‌کند؟» گفتند در خانه اش مشغول عبادت خدای عزوجل است. فرمود: «پس روزی اش از
 کجا می‌آید؟» گفتند از برخی برادرانش. آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: «سوگند به خدا، آن‌که
 روزی وی را تأمین می‌کند، به مراتب از او عابدتر است» (حلی، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۱۲)؛
 مردی به امام صادق گفت: «به خدا سوگند، ما سخت به دنبال دنیا و درآمد هستیم و دارایی را
 دوست داریم.» امام فرمود: «دوست دارید با آن دارایی چه کنید؟» گفت: «به خود و خانواده‌ام
 احسان کنم، صلۀ رحم کنم، صدقه بدهم و حج و عمره به جای آورم.» امام فرمود: «این کار
 دنیاطلبی نیست، آخرت‌طلبی است.» (طوسی، ۱۴۱۳: ۶/۶۲۸ دنیاطلبی و نیک‌خو بودن
 براساس تفسیر امام صادق ع، رکن اول حسنه در آیه شریف رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
 الْآخِرَةِ حَسَنَةً أُسْت. رکن دوم، خشنودی خدا و بهشت آخرت است (طوسی، ۱۴۱۳: ۶/۳۲۷)؛
 امام صادق علیه السلام فرمود: «بی‌خیر است آن‌کس که درآمد و ثروت حلال را دوست ندارد؛
 درآمدی که بتواند با آن آبرویش را نگاه‌دارد، و امش را پس‌دهد و از بستگان دستگیری کند.»
 (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۲۴/۹) آن حضرت به هشام فرمود: «اگر شاهد جنگ و رودرویی دو سپاه
 بودی، کوشش را برای درآمد حلال رها نکن.» (حلی، ۱۴۱۴: ۱۲۷/۱۲).



عناصر بهره‌وری

۱. تدبیر و برنامه‌ریزی

تدبیر به معنی مدیریت، دوران‌دیشی است. تدبیر اندیشیدن در فرجام کارهاست (فراهیدی، «دبر»؛ زبیدی، «دبر»). نقش تفکر در تدبیر چنان پررنگ است که علی بن ابی طالب علیه السلام تدبیر را شاخص‌ترین مصداق عقلانیت می‌داند: «لا عقل کالتدبیر» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۸۸). این مفهوم چیزی جز برنامه‌ریزی پیش از هر کاری نیست؛ از این روست که در زبان فارسی نیز تدبیر را برنامه‌ریزی معنی کرده‌اند. در روایات اسلامی، آینده‌نگری و حسن تدبیر از نشانه‌های مؤمن است (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱) و هشدار داده‌اند که دوران‌دیشی راه پشیمانی را می‌بندد (صدوق، ۱۳۷۸: ۵۴/۲) و کار شتابزده و نیندیشیدن به فرجام کارها، پیامدهای دشوار، ناروا و پشیمان‌کننده خواهد داشت (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۸/۴). در این روایات، حسن تدبیر نیز برابر اتقان عمل است (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۵۰/۸)؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام در شرح صفات فعلی خداوند، آثار تدبیر متقن خداوند را در آفرینش جهان نام می‌برد (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۱).

مضمون روایات به روشنی دلالت می‌کند که میان استحکام عمل و تدبیر، دوران‌دیشی و برنامه‌ریزی، تلازم منطقی وجود دارد. اکنون باید دید دوران‌دیشی چیست و چگونه به دست می‌آید. دوران‌دیشی چیزی جز بررسی احتمالات، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق نیست. تأمل در لوازم و مؤلفه‌های دوران‌دیشی معلوم می‌کند که نقش سه عنصر کاردانی، تجربه و مشورت در برنامه‌ریزی و مهندسی بهره‌وری پوشیده نیست. این نقش‌های سه‌گانه را نیز اسلام در نظر گرفته است:

۲. کاردانی

منظور از کاردانی، دانش کار است. منظور از دانش، اعم از اطلاعات عمومی و اطلاعات نظام‌یافته و دانش اصطلاحی است. مهم آن است که تعلیمات اسلامی هیچ کار بی‌دانشی را نمی‌پذیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس ندانسته کاری کند، بیش از آنکه اصلاح کند، تباه می‌کند.» (ابن ابی شیبه، ۱۹۸۸: ۲۴۲/۸؛ الکافی، ۱۳۶۳: ۴۴/۱) مهم‌تر آنکه به قول امام علی علیه السلام

بهای هر مردی به احسان، عملکرد و دانش نیکوی اوست (ابن عبدالبر، ۲۰۰۰: ۱۳۹) و مردم فرزند کارهای نیک خویش اند (ماوردی، ۲۰۰۰: ۳۴)؛ یعنی مردم همان گونه که به پدران و منزلت آنان شناخته می شوند و منزلت می یابند، به کار و مهارت خود نیز نسبت داده می شوند و منزلت اجتماعی می یابند؛ پس مردم فرزندان هنرها و تخصص های خویش اند و به اندازه کاردانی در آن ها ارج می یابند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۴: ۵/۴۴۰). سخن امام صادق علیه السلام نیز تأکید می کند «آن که بدون شناخت کاری کند، مانند کسی است که بیراهه می رود و سرعتش جز دوری نمی افزاید. خداوند هیچ عملی را بدون دانش نمی پذیرد و هیچ معرفتی را بدون عمل.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۴)

۳. تجربه

تجربه در لغت به معنای شناخت حاصل از آزمودن است است (فراهیدی، «جرب») و در اصطلاح به معنای مشاهده مکرر توالی دو چیز است تا ذهن یقین کند آن دو رابطه علیت یا تلازم دارند (مظفر، بی تا: ۳۳۱)؛ براین اساس، بسیاری از شاخه ها مانند علوم پایه و رشته های فنی و مهندسی و برخی رشته های علوم انسانی، مانند اقتصاد و مدیریت، به ترتیب تجربی یا نیمه تجربی اند؛ یعنی بنیاد این دانش ها تجربه و مشاهده روشمند است؛ بنابراین، تجربه به معنای عامش هم روش شناسی علوم است و هم رکن اساسی بسیاری از مهارت های زندگی و پایه ثابت دانش های تخصصی و عمومی.

از این رو در روایات اسلامی این تأکیدها را می بینیم: «در تجارب، دانش های نوبه نو پدید می آید»؛ «تجربه ها واعظ خیر خواه عاقل اند و دانش نو و عقل مُکْتَسَب، جز با تجربه و آزمون های مکرر به دست نمی آید» (صدوق، الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۸)؛ «عاقل کسی است که از یک سوراخ دو بار گزیده نشود.» (ترمذی، ۱۹۸۳: ۳/۲۵۵؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۲۴۱)

این تجربه گاهی حاصل کوشش های ماست و گاهی نتیجه تلاش دیگران و هر دو سودمندند. استفاده از تجربه دیگران هم پرسش از نادانسته هاست و کلید گنج دانش (صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۸)، هم مصداق هم افزایی و برتری علمی است (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۳) و هم

عامل پیشرفت و کاستن از خطاهای احتمالی (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۸). هم‌افزایی علمی گاهی به دانشجویی، مطالعه و پژوهش است و گاهی به تواضع و مشورت. اسلام معاش انسان‌ها را به عقل فردی و جمعی آنان واگذاشته است: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (ملک/۱۵)

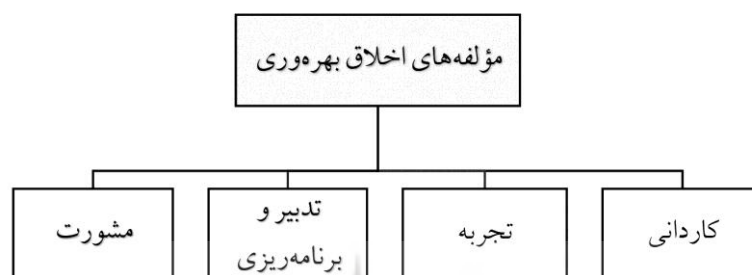
۴. مشورت

در گذشته و حال، به‌ویژه در سیاست‌مداران، کسانی بوده و هستند که از رایزنی دلخورند و در کار به مدیریت خود شیفته دلخوش‌ترند تا تدبیر مشورتی. ابن‌ابی‌الحدید گزارش کوتاهی از مخالفان و موافقان مشورت می‌کند و طیف موافقان را بیشتر از مخالفان می‌داند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸/۳۸۲)؛ اما قرآن کریم با قصه‌های تاریخی و تعالیم خود نشان می‌دهد که سنت اخلاقی مشورت در رهبران سیاسی جهان سابقه دیرین دارد و حتی برای رهبران الهی، حیاتی است. در داستان یوسف به مشورت پادشاه مصر با کاردندان صاحب‌منصب اشاره می‌کند: ﴿يَأَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ﴾ (یوسف/۴۳). در ماجرای نامه سلیمان به بلقیس، از رایزنی این زن عاقل^۱ با مشاوران و کارگزاران دربار یاد می‌کند: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ﴾ (النمل/۳۲). از همه مهم‌تر، کتاب خدا در جمله‌ای خبری، از شورا به سنت اخلاقی پایدار در جامعه مؤمنان یاد می‌کند: «[...] وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸)؛ حتی به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که از نظر یاران بهره بگیرد: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل‌عمران/۱۵۹) در سنت پیامبر ﷺ و عترت نیز روایات پرشماری آمده است. این روایات (۱) از خودرأیی و خطر استبداد برحذر کرده؛ (۲) به رایزنی و پیامد مفید آن فراخوانده‌اند. علی‌علیه السلام فرمود: «هرکس به رأی خود دل بست، خویشتن را به خطر انداخت و هرکس به استقبال‌انواع رأی برود، کانون‌های خطر را می‌شناسد و رایزنی

۱. مولوی در دفتر دوم بخش ۳۳، از بلقیس چنین یاد کرده است:

رحمت صد تو بر آن بلقیس باد که خدایش عقل صدمرده بداد

مطمئن‌ترین پشتیبان است.» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۸) همچنین آن حضرت فرمود: «هرکس شیفته نظر خود شد، تباہ می‌شود و هرکس با مردان مشورت کرد، در اندیشه آنان شریک می‌شود.» (شریف رضی، ۱۴۱۳: ۵۰۰) از رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام نقل کرده‌اند: «داناترین کسی است که دانش دیگران را بر دانش خود بیفزاید.» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۲۳۰)



نتیجه‌گیری

رویکرد بنیادی روایات و آیات یادشده، معیشت‌گرایی آخرت‌مدار است. این رویکرد را می‌توان «کلنا الحسینی» دانست که الهام‌گرفته از آیه «ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه» است؛ اما باید اعتراف کرد که فقه و اخلاق دست‌کم برای بیشتر دین‌داران، چیز دیگری را به ارمان آورده است: آخرت‌گرایی و معیشت‌گری. ادبیات دینی ما چنان‌که فرمان خدا را به نماز، روزه، مناسک و شعائر جدی گرفته، دستور خدا را به سیر در زمین، درآمدزایی، کسب‌وکار و بهره‌مندی از مواهب زمین جدی نگرفته است. فقه و اخلاق ما مزرعه زندگی این جهانی را رها کرده و مستقیم به دنبال بذر آخرت رفته است؛ یعنی چیزی که ذاتاً ناممکن است. از همه مصیبت‌بارتر، مزرعه را به دنیاگرایان آخرت‌گریز وا گذاشته است. نتیجه این بی‌توجهی آن است که در سده‌های طولانی، هم مزرعه به غارت رفته و هم بذر آخرت به چنگ نیامده است. اما از آنچه گفتیم معلوم شد هم مزرعه بهشت را باید به رسمیت شناخت و هم دانست که بهشت و آرمان‌شهر، دو دلو آبکش نیستند که بالا آمدن یکی، فرورفتن دیگری باشد. آرمان‌شهر

در اسلام، گذرگاه بهشت است، نه مقابل آن. همچنین روشن شد که سنت محکم کاری و بهره‌وری، مانند سنت الهی دانشوری و دانشجویی یا سنت محبوب کار و کوشش برای درآمد حلال، از تعالیم حیات بخش اسلام است. تحقق این سنت خداپسند، مانند همه سنت‌های دیگر، مشروط به عوامل خاصی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: تغییر نگرش کارمند و کارفرما و کارگر به قداست کار، احیا و نهادینه‌سازی سنت استحکام و بهره‌وری، برنامه‌ریزی، تجربه‌اندوزی و رایزنی.



منابع

الف،عربي

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابي شيبة، ابوبكر عبدالله بن محمد (١٩٨٨)، المصنف، ضبطه وعلق عليه الاستاد سعيد لحام، دارالفكر، بيروت.
٣. ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (١٤٠٤)، شرح نهج البلاغه، مصحح، محقق ابراهيم محمد ابوالفضل، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم.
٤. ابن حنبل، احمد (بي تا)، المسند، دار صادر، بيروت.
٥. ابن سعد، محمد (بي تا)، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت.
٦. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف القرطبي (٢٠٠٠)، الاستذكار، تحقيق سالم محمد عطا، محمد علي معوض، دار الكتب العلمية، بيروت.
٧. الترمذي، ابو عيسى محمد بن عيسى، (١٩٨٣) السنن، حققه و صححه عبدالوهاب عبدالطيف، دار الفكر، بيروت.
٨. الهيثمي، علي بن ابي بكر (١٩٨٨) مجمع الزوائد، دار الكتب العلمية، بيروت.
٩. — (١٤٢١)، جامع بيان العلم وفضله، تصحيح مسعد عبدالمجيد السعدي، دار الكتب العلمية، بيروت.
١٠. ابن عدى، عبدالله (١٩٨٨)، الكامل في ضعفاء الرجال، تحقيق سهيل زكار، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
١١. ابن عساكر (١٤١٥)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، دار الفكر، بيروت.
١٢. ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني (بي تا)، السنن، تحقيق وترقيم وتعليق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت.
١٣. ابن منظور ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤، لسان العرب، دار صادر، بيروت.
١٤. أبو داود، ابن الأشعث السجستاني (١٩٩٠)، السنن، تحقيق وتعليق سعيد محمد اللحامدار، دار الفكر للطباعة والنشر، بيروت.
١٥. ابو يعلى، الموصلی (١٩٨٨)، المسند، تحقيق حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث، بی جا.

۱۶. الامدی، عبد الواحد بن محمد التمیمی (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح سید مهدی رجائی، دار الكتاب الاسلامی، قم.
۱۷. البرقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، دار الکتب الإسلامية، قم.
۱۸. التمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الكتاب الإسلامی، قم.
۱۹. الجوهري، اسماعيل بن حماد (۱۹۷۸)، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت.
۲۰. الحطاب الرعینی (۱۹۹۵)، مواهب الجلیل، ضبطه وخرج آیاته وأحادیثه الشیخ زکریا عمیرات، دار الکتب العلمیة، بیروت.
۲۱. الحلی، جمال الدین حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، مؤسسه ال البيت، قم.
۲۲. الدارمی، عبدالله بن بهرام (۱۳۴۹)، السنن، بعناية محمد أحمد دهمان، مطبعة الاعتدال، بیروت و دمشق.
۲۳. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، مفردات الفاظ القرآن، مرتضوی، تهران.
۲۴. الری شهری، محمد (۱۴۱۶)، میزان الحکمة، دار الحديث، قم.
۲۵. الزییدی، محب الدین السید مرتضی الحسین (۱۴۱۴)، تاج العروس، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت.
۲۶. السیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر، دارالفکر، ۱۹۸۱م، بیروت.
۲۷. الشاهرودی، محمود (۱۴۲۳)، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، باهمکاری جمعی از پژوهشگران، قم.
۲۸. الشریینی، خطیب محمد بن احمد (بی تا)، مغنی المحتاج، علی متن المنهاج، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۲۹. الشریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم.
۳۰. الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن احمد (۱۳۶۸)، منية المرید، تحقیق رضا المختاری، مكتب الإعلام الإسلامی، قم.
۳۱. الصدوق، الشیخ محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، جامعه مدرسین، قم.

۳۲. _____ (۱۳۷۶)، الامالی، انتشارات کتابچی، تهران.
۳۳. _____ (۱۴۰۶)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشریف الرضی، قم.
۳۴. _____ (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران.
۳۵. _____ (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۳۶. الصنعانی، عبد الرزاق (بی تا)، المصنف، تحقیق و تخريج و تعليق حبيب الرحمن الأعظمی، منشورات المجلس العلمی، بی جا.
۳۷. الطبرانی، سلیمان بن احمد (۱۹۹۵)، المعجم الأوسط، دار الحرمین للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة.
۳۸. _____ (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق و تخريج حمدی عبد المجید السلفی، دار إحياء التراث العربی، القاهرة.
۳۹. الطبری، محمد بن جریر (بی تا)، المنتخب من ذیل المذیل، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۴۰. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تحقیق خرسان، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۱. _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴۲. العاملی، محمد بن حسن الحر (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت، قم.
۴۳. الفراهیدی: خلیل بن احمد، ۱۴۰۶، کتاب العین، هجرت، قم.
۴۴. الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۱۴۱۵)، القاموس المحيط، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۴۵. الفیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۹۲۸)، المصباح المنیر، المطبعه الامیریه، القاهرة.
۴۶. قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی (۱۹۹۶)، المجالس و المسایرات، تحقیق حبيب الفقی و همکاران، دار المنتظر، بیروت.
۴۷. الكلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تصحیح و تعليق، علی أكبر الغفاری، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۸. الماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن حبيب الماوردی (۲۰۰۰)، ادب الدین و الدنيا، تصحیح محمد کریم الراجح، دار و مکتبه الهلال، بیروت.

۴۹. المظفر، محمد رضا (بی تا)، المنطق، موسسه النشر الاسلامی، قم.
۵۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الأملی، کنگره شیخ مفید، قم.
۵۱. المناوی، عبدالرؤوف (۱۹۹۴)، فیض القدير شرح الجامع الصغير، تصحيح أحمد عبد السلام، دار الكتب العلمية، بيروت.
۵۲. النسائی، احمد بن علی بن شعيب (۱۹۹۱)، السنن الكبرى، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، الكتب العلمية، بيروت.
۵۳. النووی، یحیی بن شرف (۱۹۹۱)، ریاض الصالحین، دار الفكر المعاصر، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۵۴. — (۱۹۸۷)، شرح مسلم، دار الكتاب العربی، بیروت، دارالكتاب العربی، بیروت
۵۵. النیسابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، الصحیح، دار الفكر، بیروت.
۵۶. الهیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر (۱۴۰۸)، مجمع الزوائد، بیروت، دار الكتب العلمية، بیروت.

ب. فارسی

۱. ابن مقفع، عبدالله بن دادویه (۱۳۸۳)، کلیله و دمنه، ترجمه نصرالله منشی، تحقیق و تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۲. بافکار، حسین (۱۳۸۴)، بهره‌وری در پرتو اسلام، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، قم.
۳. جاسبی، عبدالله و همکاران (۱۳۷۴)، «نگرش نظام‌گرا به مفاهیم بهره‌وری و به‌کارگیری آن در اندازه‌گیری بهره‌وری سیستم‌ها»، مجله آینده پژوهی مدیریت، ش ۲۶، ص ۶۳-۹۲.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، مفاتیح الحیاة، موسسه اسراء، قم.
۵. ایران زاده، سلیمان، محمد خلیلی (۱۳۸۷)، مدیریت بهره‌وری و کیفیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز.
۶. حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۴)، الحیاة، ج ۵، ترجمه احمد آرام، انتشارات دلیل ما، قم.
۷. — (۱۳۹۴)، الحیاة، ج ۱۲، انتشارات دلیل ما، قم.
۸. دورانت، ویلیام جیمز و آریل (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ترجمه گروهی از مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۹. طباطبائی، محمد حسین علامه (۱۳۸۷)، *تعالیم اسلامی*، به کوشش سید هادی خسروشاهی، بوستان کتاب، قم.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران.
۱۱. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (برگرفته از: <http://www.parliran.ir>)
۱۲. قجری، محمد مهدی (۱۳۸۸)، «*محکم کاری در اسلام*»، مجله مبلغان، ش ۱۱۴، ص ۸۰-۹۳.
۱۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۴. ماشین چیان، محمد، ۱۳۹۶، «*نخستین جلوه سرمایه‌داری در صدر اسلام*»، مجله الکترونیکی حوزه اندیشه، ش ۴۹.
۱۵. مبینی، مهدی (۱۳۸۷)، «*نگاهی به مفهوم بهره‌وری*»، مجله حدیث زندگی، پیاپی ۴۰، ص ۱۱-۶.

ج. سایت‌ها

1. <http://www.tccim.ir/News>
2. <https://bourgeois.ir/tag/>
3. <http://www.leader.ir/fa/speech/11588>.
4. <http://www.satba.gov.ir/fa/aboutorganization/introduction>
5. <http://www.parliran.ir/>
6. <http://www.nipo.gov.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=ebce1541-4cde-4936-99d9dda5906e2a19&t=41>